

در امتداد تاریکی

## خافلگیری وحشتناک!

سعادت و خوشبختی من بعد از ازدواج با جوانی که مدعی بود عاشقانه مرا دوست دارد و نمی گذارد غمی در چهره ام نمایان شود فقط ۷ ماه طول کشید چرا که بعد از آن چنان مرا به طرز وحشتناکی خافلگیر کرد که ...

زن ۲۹ ساله با بیان این که من معتاد نیستم، اما اعتیاد دیگران زندگی مرا هم تباه کرد، درباره سر گذشت خود به خبرنگار روزنامه خراسان گفت: پدرم به مواد مخدر سنتی اعتیاد داشت اما سرکار می رفت و ما کمبودی در زندگی احساس نمی کردیم در این میان گاهی برخی از دوستان نزدیک پدرم به اتافی می آمدند که در پشت بام منزل مسکونی ساخته بودیم و پدرم برای رعایت حال مادر آن جا مواد مخدر مصرف می کرد ولی از حدود یک سال قبل با جوان ۳۰ ساله ای به نام «حدا» آشنا شده بود که به اصطلاح برایش مواد مخدر مرغوب تهیه می کرد، اما خودش لب به مواد افیونی نمی زد! «حدا» خیلی زود با برادرم نیز صمیمی شد و در حالی که ادعای می کرد از یک سال قبل همسرش را طلاق داده است روزی مرا از پدرم خواستگاری کرد. این ماجرا در شرایطی رخ داد که من هم به خاطر رویاها و آرزوهایی که در سر داشتم خواستگار انهراییکی پس از دیگری رد کرده بودم و حلا افرادی قصد از دواج با مرا داشتند که یا باید همسر دوم می شدم یا با افراد میان سالی ازدواج می کردم که به هر طریقی همسرشان را از دست داده بودند! همه اطرافیانم خواستگاران خوب گذشته را بهر خم می کشیدند و مرا به دلیل تجرد تا این سن و سال سرزنش می کردند.

از سوی دیگر نیز «حدا» مردی بسیار چرب زبان و خوش برخورد بود که با تعریف و تمجیدهای چاپلوسانه، خودش را در قلب همه جا می کرد. او در عین حال مردی ولخرج بود و از نظر مالی اوضاع خوبی داشت. به همین دلیل هم اعضای خانواده ام اصرار داشتند که او مرا خوشبخت می کند. وقتی با «حدا» به گفت و گو نشستم او چنان وقار و اخلاقی من تعریف می کرد و راه سعادت و خوشبختی را نشان می داد که بر پوست خود نمی گنجیدم. «حدا» مدعی بود هیچ گاه نمی گذار در رنگ غم در چهره ام نمایان شود و برای سعادت من هر کاری انجام می دهد! خلاصه من هم به توصیه خانواده ام و بدون این که در باره علت و انگیزه طلاق همسر «حدا» یاد در باره وضعیت اجتماعی او تحقیقی انجام بدهیم یا سفره عقد نشستم و بنا به خواست «حدا» یک ماه بعد هم زندگی مشترکمان را آغاز کردیم.

«حدا» چیزی از نظر مالی برایم کم نمی گذاشت و من روزهای شیرینی را سپری می کردم اما حدود ۶ ماه بعد حادثه ای رخ داد که زندگی ام را نابود کرد. آن روز «حدا» ما قلمی ایستاد و گفت: امروز سرکار نمی رود و قصد دارم ارفا فلگیر کند. هر چه اصرار کردم چیزی نگفت و فقط تکرار می کرد که بهترین و لذیذترین غذا را برای شام در ست کن! تا عزیزترین فرد زندگی ام را نیز در همین جشن شبانه به تو معرفی کنم! با این جمله «حدا» بیشتر به فکر فرو رفتم چرا که او فقط مادرش را عزیزترین موجود زندگی اش می دانست. خلاصه او بیرون رفت و من هم مشغول تمیز کاری و شست و شو شدم و حتی شیرینی و میوه هم خریدم و قورمه سبزی را هم بار گذاشتم. وقتی به تعمیر گاه موتور سبکلت «حدا» زنگ زدم کسی پاسخ تلفن را نداد و این گونه فهمیدم که او سر کار نرفته است! خلاصه همه چیز را به زیباترین شکل آراستم و تدارک دیدم چون فکر می کردم شاید قرار است برای من و به مناسبتی که فراموش کرده ام جشن بگیرد! بی صبرانه منتظر حضور همسر م بودم که ناگهان صدای زنگ مرا از افکارم بیرون کشید. با خوشحالی به طرف در دویدم و آن را باز کردم، اما در یک لحظه آن آن چه می دیدم شو که شدم. اشک

در چشمانم حلقه ز دو از این خافلگیری وحشتناک خشکم زده بود. «حدا» همسر سابقش را همراه خودش به خانه آورده بود که من تصویر او را بارها در آلبوم خانه دیده بودم. «حدا» با بی شرمی مقابلم قرار گرفت و با معرفی محترمانه «سوسن»؛ او را عزیزترین فرد زندگی اش خواند و گفت: من و «سوسن» با آن که در کش و قوس طلاق بودیم، اما هیچ گاه به طور رسمی از یکدیگر جدا نشدیم. بعد از آن که من با تواز دواج کردم تا از اوزهر چشم بگیرم، «سوسن» هم متوجه اشتباهات خودش در زندگی شد و تصمیم گرفت به زندگی با زگرددو گذشته هارا جبران کند!! اکنون نیز ملکه زندگی ام را به خانه اش باز گردانده ام تا دوباره شیرینی های زندگی را تجربه کنیم و ...

دیگر چیزی نمی فهمیدم ،سقف پذیری دور سرم می چرخید که کیف دستی ام را داشتم و به خانه پدرم رفتم. آن جا بود که فهمیدم برادر من نیز از مدتی قبل دچار اعتیاد شده و در این مدت «حدا» مواد مخدر او را هم تأمین می کرد و به همین دلیل اصرار به ازدواج من با او را داشت. از سوی دیگر تازه متوجه شدم که «حدا» خودش عامل توزیع مواد مخدر است و من به راحتی قریب چرب زبانی هایش را خورده ام و ...

ماجرای واقعی به سراسر سرگذشت یکی از مخاطبان خراسان

اختصاصی خراسان

## در آخرین جلسه دادگاه جنایی بررسی شد

# معمای تنفس مصنوعی به مرد کریستالی!

گاری ضایعات گذاشتم به من کمک کرد و گاری را اهل داد تا دو کوچه بالاتر درون باکس نخله رها کردم. چقدر تنفس مصنوعی دادید؟ نیم ساعت. اختلافی با هم داشتید؟ نه! هیچی! پس چرا این گونه دست و پاهایش را بستید و درون نخله ها رها کردید؟ هول شده بودم! مگر چکار کرده بودی؟ هیچی فقط ترسیدم! احمد (دوست متهم) هم نفس مصنوعی داد؟ نه!

این فردی که «احمد» نام دارد الان کجاست؟ نمی دانم او کارتن خواب است و خبری ندارم! شما برای خرید سیگار بیرون رفته بودی وقتی باز گشتی چه دیدی؟ وقتی از مغازه باز گشتم خواهرم مرا صدا زد و گفت: دوست در حیاط منزل افتاده است من دیدم چهره او کبود شده به همین دلیل رگش را زدم و عملیات احیا را انجام دادم. گزارش روزنامه خراسان حاکی است، با توجه به اظهارات و اعترافات متهم در جلسات محاکمه، قضات شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان، پس از استنادل های منطقی و قانونی بسیاری از دفاعیات وی و وکیل مدافع او را منطبق با واقعیت ندانستند چرا که طبق نظر پزشکی قانونی مرد ۵۰ ساله بر اثر خفگی جان باخته است و کبودی صورت که متهم ابراز می دارد نیز از مرگ بر اثر خفگی حکایت دارد و حتی اگر عملیات بود؟ دوستم با تنغیدن او امی ز دتا خون بیاید که بتواند نفس بکشد! در زمان فوت چه کسانی در محل بودند؟ خانواده خودم، پدر و مادر و خواهرم که در طبقه بالا مستاجر هستند. برادرم دوستم احمد بود. چگونه به او تنفس مصنوعی دادید؟ روی سینه اش و دهان به دهان هم نفس دادم، اما دیدم باز هم نفس نمی کشد! چه کسی دست و پاهای او را با طناب بست؟ من خودم به تنهایی دست و پاهایش را با طناب و کمرش را هم به پاهایش بستم و داخل کیسه کردم و دوستم فقط زمانی که پیکر او را داخل

است زیاد مصرف نکن! اما قبول نکرد. وقتی من برای خرید سیگار از خانه خارج شدم ناگهان خواهرم مرا صدا زد و گفت: خالش خراب شد! من هم به او تنفس مصنوعی دادم ولی به او زانس زنگ نزد م چون می ترسیدم. قاضی: عبدا... در چه ساعتی وارد منزل شما شد؟ حدود غروب بود ولی بعد از یک ساعت حال او خراب شد و هر چه تنفس مصنوعی دادم باز هم نفس نکشید!

تصاویر دوربین های ترافیکی نشان از آن دارد که شما ساعت ۴ بامداد جسد را به بیرون انتقال داده اید! درست است؟ بله! قبل از آن جسد را در خانه گذاشته بودم تا در فرصت مناسب بیرون ببریم. با چه کسی جسد را بیرون بردید؟ خودم و احمد (یکی از معتادان کارتن خواب) جسد را درون کیسه و پلاستیک گذاشتیم و با گاری حمل ضایعات به

بیرون بردیم!

در باره آثار ضرب و جرح روی پیکر مقتول چه توضیحی دارید؟ او با چه فرد یا افرادی در گیر بود؟ دوستم با تنغیدن او امی ز دتا خون بیاید که بتواند نفس بکشد!

در زمان فوت چه کسانی در محل بودند؟ خانواده خودم، پدر و مادر و خواهرم که در طبقه بالا مستاجر هستند. برادرم دوستم احمد بود. چگونه به او تنفس مصنوعی دادید؟ روی سینه اش و دهان به دهان هم نفس دادم، اما دیدم باز هم نفس نمی کشد! چه کسی دست و پاهای او را با طناب بست؟ من خودم به تنهایی دست و پاهایش را با طناب و کمرش را هم به پاهایش بستم و داخل کیسه کردم و دوستم فقط زمانی که پیکر او را داخل

قبل از زندان آزاد شده بود و من چون در منزل نبودم به جای دیگری رفته بود. ابتدا فکر می کردم نزد دوستانش رفته است، اما روز بعد از طریق کلاترتری متوجه شدیم جسدش پیدا شده است. به همین دلیل هم از «علی-ت» که منزلش یاتوق معتادان است شکایت داریم و تقاضای قصاص نفس می کنیم!



بنا بر گزارش روزنامه خراسان، پس از تکمیل تحقیقات در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، کیفرخواست این پرونده جنایی صادر شد و متهم ولی هیچ وقت آن جا نمی خوابید. آن روز هم هنگام غروب بود که دوباره برای مصرف مواد مخدر به خانه ام آمد و من هم مدتی بعد از مصرف کریستال به دنبال جمع آوری ضایعات رفتم ولی بعد بچه ها گفتند که حال ... خراب شده و به او تنفس مصنوعی دادیم که بعد از آن هم یکی دو تا از بچه ها او را بیرون بردند. در همین حال خواهر مقتول نیز به عنوان یکی از اولیای دم به قاضی پرونده گفت: برادرم مجرد بود و گاهی به منزل من یا منزل خواهر دیگرم می آمد چون پدر و مادرم از دنیا رفته اند و او کسی را نداشت، او یک روز

خراسان رضوی، یاتوق مرد معتادی به نام «علی-ت» در همان نزدیکی شناسایی شد که مرد ۵۰ ساله نیز به منزل وی رفت و آمد داشت. از سوی دیگر بازبینی دور بین های ترافیکی عامل انتقال و رها کردن جسد در محفظه نخله های ساختمانی را لو داد و مشخص شد که «علی-ت» جسد «عبدا...» س» را که درون کیسه سفید رنگ قرار داشت

با یک دستگناه گاری حمل ضایعات به بولوار یاران انتقال داده و در آن جا رها کرده است. با به دست آمدن این اسناد مهم، بی درنگ متهم مذکور دستگیر شد و به مقر انتظامی انتقال یافت، اما او با تایید این که عبدا... (مقتول) را می شناسد ارتکاب جنایت را انکار کرد و مدعی شد که عبدا... بر اثر مصرف زیاد مواد مخدر (کریستال) جان باخته است. او در

اعترافات خود گفت: من او را نکشتم. آن روز چند نفر دیگر هم در منزل من حضور داشتند. عبدا... قبلا هم چند بار به خانه من آمده بود ولی هیچ وقت آن جا نمی خوابید. آن روز هم هنگام غروب بود که دوباره برای مصرف مواد مخدر به خانه ام آمد و من هم مدتی بعد از مصرف کریستال به دنبال جمع آوری ضایعات رفتم ولی بعد بچه ها گفتند که حال ... خراب شده و به او تنفس مصنوعی دادیم که بعد از آن هم یکی دو تا از بچه ها او را بیرون بردند. در همین حال خواهر مقتول نیز به عنوان یکی از اولیای دم به قاضی پرونده گفت: برادرم مجرد بود و گاهی به منزل من یا منزل خواهر دیگرم می آمد چون پدر و مادرم از دنیا رفته اند و او کسی را نداشت، او یک روز

## مرد سالخورده در خانه قدیمی به قتل رسید

بیدار شدم برای انجام کار شخصی به بیرون رفتم. پسر جوان در جریان تحقیقات ادامه داد: هنگامی که به خانه برگشتم به اتاق پدرم رفتم و با جسد او مواجه شدم که در ادامه نیز حادثه را به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ گزارش کردم. پدرم بد اخلاق و بد دهن بود، اما من با او در گیر نشدم. بررسی های بیشتر نشان می داد، روی گردن پسر مقتول آثار کبودی ناشی از ضرب و جرح وجود دارد که پسر جوان در این خصوص اظهارات ضد و نقیضی را به زبان آور و در همین موضوع شک تیم جنایی را برای چندین بار برانگیخت! همچنین پسر جوان در تحقیقات ابتدایی مدعی شده بود مواد مخدر مصرف نمی کند، اما در ادامه گفته بود تریاک می کشد. با این حال، متخصصان پزشکی قانونی در معاینه اولیه خود از جسد مرد ۶۵ ساله، زمان مرگ مقتول را ۲۴ ساعت قبل از اعلام کشف جسد به پلیس توسط فرزندش اعلام کردند. تجزیه و تحلیل های ابتدایی تیم جنایی هم حکایت از آن داشت که پسر جوان در یک هفته ای که با پدر خود زندگی می کرده با او در گیر شده و پس از به قتل رساندن او قصد داشته با بستن دست و پای پدرش و قرار دادن جسد داخل یک پتو، جسد را مخفی کند که موفق نشده است. پس از پایان تحقیقات میدانی، کار آگاهان دوربین های مدار بسته اطراف خانه قدیمی را برای اثبات ادعای تنهامتهم پرونده هدف بازبینی قرار دادند. با دستور وحید ناصری، باز پرس ویژه قتل شعبه چهارم دادسرای امور جنایی، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و متهم در اختیار کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

با به قتل رسیدن یک مرد سالخورده در یک خانه قدیمی در محله خزانه، تحقیقات تیم جنایی آغاز شد و در روند بررسی ها پسر مقتول که اظهارات ضد و نقیضی را به زبان آورده بود، دستگیر شد. به گزارش تسنیم، عقربه ها ساعت یک بامداد دوشنبه دهم بهمن را نشان می داد که مرگ مشکوک مرد سالخورده ای از سوی پسرش در یک خانه قدیمی در محله خزانه به مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ گزارش داده شد. با اعلام این خبر، ماموران کلاترزی ۱۶۰ خزانه به خانه قدیمی که بسیار نامرتب و پر از وسایل ضایعاتی بود، رفتند و در یکی از اتاق های این خانه، جسد مرد حدود ۶۵ ساله ای را مشاهده کردند که آثار کبودی روی گردن او مشهود بود. بدین ترتیب تیمی زبده از کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی، تیم تشخیص هویت و متخصصان پزشکی قانونی به همراه وحید ناصری، باز پرس ویژه قتل شعبه چهارم دادسرای امور جنایی اهی محل حادثه شدند و تحقیقات ابتدایی را آغاز کردند. تیم جنایی که خیلی زود در خانه مدنظر حاضر شده بودند با بررسی های اولیه آثار خون روی پتو و فرشی را که در آن جا وجود داشت، کشف کردند و متوجه شدند پشت گردن مقتول هدف ضرب به چاقو قرار گرفته و آثار کبودی روی دست و پای او به دلیل بستن طناب مشهود بود. همین سرخ کافی بود تا پسر مقتول که جسد پدرش را در اتاق خواب پیدا کرده بود هدف تحقیق قرار بگیرد وی گفت: شب گذشته با پدرم تا ساعت ۴ بامداد قلیان کشیدیم و حرف زدیم، در ادامه نیز من به اتاق دیگری رفتم و پدرم هم در اتاق خودش خوابید؛ هنگامی که صبح از خواب

## عامل نزاع مرگبار خیابانی به دام افتاد

تلاش های صورت گرفته کادر درمانی به علت شدت جراحات وارد شده روی تخت بیمارستان جان باخته است که بلافاصله اقدامات پلیسی برای دستگیری قاتل در دستور کار قرار گرفت. وی خاطر نشان کرد: در بررسی های اولیه مشخص شد وقوع نزاع بین قاتل و قربانی در یکی از خیابان های شهر منجر به بالا گرفتن تنش و مجروح شدن یکی از طرف ها در این درگیری شده که در این زمینه نیروهای پلیس آگاهی استان با همکاری ماموران کلاترزی سرآسیاب، متهم را در کمتر از ۶ ساعت از وقوع جایت شناسایی کردند و دستبند قانون زدند. این مقام ارشد انتظامی با اشاره به اعتراف قاتل به قتل این جوان در پی این نزاع، تصریح کرد: این متهم پس از تکمیل پرونده تحویل مرجع قضایی شد.

عامل نزاع مرگبار خیابانی که پس جوانی را با چاقو به قتل رسانده بود، در کمتر از ۶ ساعت در عملیات نیروهای پلیس آگاهی استان کرمان دستگیر و به پنجه عدالت سپرده شد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی استان کرمان در تشریح جزئیات این حادثه هولناک اظهار کرد: به دنبال اعلام مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع یک فقره نزاع در یکی از خیابان های شهر کرمان و مجروح شدن فردی در این زمینه و انتقال به یکی از مراکز درمانی شهر، بررسی موضوع در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت. سردار عبدالرضا نظری ادامه داد: با حضور ماموران پلیس در بیمارستان مشخص شد فرد مجروح که یک پسر جوان است با سلاح سرد زخمی شده و به رغم

## آگهی مزایده عمومی

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان رضوی در نظر دارد یک فقره ملک شامل زمین و مستحدثات با کاربری اداری و دارای سند ششدانگ، واقع در شهرستان گناباد خیابان امامت را با جزئیات مندرج در اسناد مزایده از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به فروش برساند.

کلیه مراحل مزایده و تحویل اسناد تا بازگشایی پاکت ها، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) انجام خواهد شد. کلیه متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام اقدام لازم را به عمل آورند.

زمان انتشار در سامانه: ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

مهلت دریافت اسناد: ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

مهلت ارسال پاکت های پیشنهاد: ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

زمان بازگشایی: ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۳۰  
آدرس: مشهد مقدس- بلوار وکیل آباد-نیش وکیل آباد ۲۰- اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان خراسان رضوی- امور پیمان ها، تلفن: ۴-۳۸۶۸۰۶۸۱ داخلی: ۳۴۱ و ۳۴۰

شماره آگهی/ ۱۴۴۹۳۳ - م/الف/ ۱۱۳۸

### اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری خراسان رضوی

**شهرداری دیواندره**

**مزایده مغازه های شهرداری دیواندره**

شهرداری دیواندره در نظر دارد، برابر آیین نامه مالی شهرداری ها مغازه های خیابان امیرکبیر آزادگان، پاساژهای ۱۲۴ و ۱۱۱، پاساژ دارایی، زمین خالی پشت ماشین آلات، زمین خالی خیابان امام (غسالخانه قدیم)، مغازه های شهرک صنعتی، مغازه های غسالخانه قدیم، مغازه های بهشت محمدی، بوفه و دکه میدان مادر، سایت زباله شهرداری دیواندره از طریق مزایده به صورت اجاره ای واگذار نماید، لذا متقاضیان می توانند ظرف مدت ۱۰ روزکاری پس از انتشار آگهی به شهرداری- واحد مال الاجاره شهرداری دیواندره مراجعه نمایند.

**فراهاد خیاداری – سرپرست شهرداری دیواندره**

**آگهی مناقصه عمومی فشرده یک مرحله ای با ارزیابی فشرده**

**شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد در نظر دارد نسبت به:**

**انتخاب پیمانکار واحد شرایط در خصوص ارائه خدمات نظارت بر اجرای طرح ها، پروژه های احداث، توسعه، اصلاح و بهینه سازی (شبکه و ساختمانی) و نظارت بر پیاده سازی سیستم مدیریت دارایی های فیزیکی در حوزه بهره برداری و نگهداشت (به شرح مندرج در اسناد) به شماره مناقصه ۱۴۰۱/۴۳۱ اقدام نماید.** مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس: [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه نمایند.

**روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق شهرستان مشهد**

[www.meedc.ir](http://www.meedc.ir)

صفحه آرایي واحد صفحه آرایي روزنامه خراسان سفارش می پذیرد  
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰  
[layout@khorasannews.com](mailto:layout@khorasannews.com)

### «فراخوان شناسایی زمین جهت احداث کارخانه آسفالت شهرداری نیشابور»

**شهرداری نیشابور** در نظر دارد نسبت به احداث کارخانه آسفالت جدید اقدام نماید. لذا بدینوسیله از کلیه مالکین که دارای زمین مناسب با مشخصات ذیل می باشند دعوت به عمل می آید تقاضای خود را به همراه کپی سند مالکیت حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ به دبیرخانه ساختمان ستاد شهرداری واقع در: میدان امام خمینی (ره) - طبقه همکف ارائه نمایند.

**مشخصات زمین:**

۱-زمین بایستی خارج از محدوده و حریم شهر نیشابور باشد.

۲-ترجیحاً دارای سند مالکیت ششدانگ و حداقل مساحت ۲ هکتار.

۳-دارای اشتراک آب، برق و گاز و یا دسترسی به شبکه خدمات داشته باشد.

۴-حداقل عرض زمین ۶۰ متر و دسترسی آسان به معابر اصلی لازم است.

**سید حسن میرفانی- شهردار نیشابور**

شماره آگهی/ ۱۴۴۹۳۳ - م/الف/ ۱۱۳۸